

دوتا ۳۴۰	در میان گذاشتن / ۶۴
T = معلم ۱	S = معلم ۲
یک شاگرد آنچه را که از امثال آموخته است، در میان می‌گذارد - بخش دوم	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید . ما دو معلم هستیم که آنچه از رازگهان خود از هفت بخش منتخب در کتاب امثال در عهد عتیق را یاد گرفته ایم با شما در میان خواهیم گذاشت . هفته ای یکبار جمع می‌شویم تا آنچه یاد گرفته ایم را با هم در میان بگذاریم . درحالیکه به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. عنوان امروز این است : "یک شاگرد آنچه را که از امثال - بخش دوم آموخته است، در میان می‌گذارد."

(S) در میان گذاشتن برکات از فصل‌های انتخاب‌شده از امثال در طول هفته گذشته، امثال فصلهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۱ را خواندیم و در مورد آنها تعمق و دعا کردیم. اینک از یادداشتهای خود استفاده خواهیم کرد تا حقایق و درسهای مهمی از این فصلها را در میان بگذاریم و در مورد برخی از بخشهای دشوار گفتگو کنیم.

در میان گذاشتن برکات از امثال فصل ۱۵. "هنر سخن گفتن". سخن گفتن یا گفتگو مستلزم انضباطی خاص است.

اول. "امثال ۱۵: ۱" می‌فرماید: "جواب ملایم، خشم را فرو می‌نشانند، اما جواب تند، آن را بر می‌انگیزاند." اولین دستور در سخن گفتن این است که باید درجه و آهنگ صدای خود را کنترل کنید. نویسنده با بیان دو واقعیت، اندرز خوبی ارائه می‌دهد. جواب ملایم جوابی است "دلسوزانه" و "توام با محبت". چنان پاسخی خشم را دور می‌نماید و سبب آرامش در گفتگو می‌شود. اما کلام تند کلامی "رنجش‌زا" یا "توهین‌آمیز" است، کلامی که موجب ناراحتی می‌شود. اینگونه کلام باعث عصبانیت می‌گردد. در محاورات، نه فقط آنچه شما به زبان می‌آورید، بلکه "نحوه" گفتن نیز حائز اهمیت است. در این آیه بر طرز بیان تاکید شده است. "درجه" و "آهنگ" صدای شما می‌تواند خشم یا محبت را انتقال دهد.

دوم. امثال ۱۵: ۴ می‌فرماید، "سخنان آرامش‌بخش، حیات می‌بخشند، اما حرفهای تند باعث دلشکستگی می‌شوند." دومین دستور این است که فقط باید تمام حقیقت را بر زبان آورید. در این آیه بر این تکیه شده که چه باید گفت و چگونه باید گفت. در واقع، زبان ملایم تاثیری "آرام‌بخش" و "تسکین‌دهنده" دارد. در حالی که زبان فریبنده، مکار، دروغگو و غیر قابل اعتماد است. سبب شکستگی روح می‌شود، یعنی شخصیت درونی فرد را زخمی و خرد می‌کند. این آیه فرمان نهم را توضیح می‌دهد، "شهادت دروغ ندهید".

سوم. امثال ۱۵: ۲۳ می‌فرماید، "انسان وقتی جواب می‌دهد از آن لذت می‌برد. چه عالی است سخنی که به جا گفته شود." دستور سوم در گفتگو این است که تنها باید در زمان مناسب سخن بگویید. در این آیه، جواب شایسته همان سخن بجاست. گفتن کلام صحیح در وقت درست بخشی از هنر سخن گفتن است. هنگامی که شخص پیش از موعد پاسخ دهد، نه تنها با بی‌نزاکتی سخن گوینده را قطع می‌کند، بلکه این احساس را در فرد ایجاد می‌نماید که آنچه می‌گوید ارزش شنیدن ندارد.

چهارم. "امثال ۱۵: ۲۸" می‌فرماید، "آدم خوب قبل از جواب دادن فکر می‌کند، اما آدم بد زود جواب می‌دهد و مشکلات به بار می‌آورد." دستور چهارم در سخن گفتن این است که اول باید عواقب آنچه را می‌گویید بسنجید. این آیه نیز بر اهمیت آنچه می‌گویید تاکید دارد. در حالی که انسانهای بد قبل از حرف زدن فکر نمی‌کنند، و فقط آنچه را به ذهنشان می‌رسد به زبان می‌آورند، آدمهای خوب، نخست به آنچه قصد دارند بگویند می‌اندیشند و قبل از سخن گفتن عواقب آن را بررسی می‌کنند.

خلاصه اینکه، این چهار امثال، اهمیت یادگیری هنر سخن گفتن و هنر گفتگو را به من تعلیم می‌دهند. "اولین اصل به رفتار مربوط می‌شود": باید مراقب درجه و آهنگ صدای خود باشیم. "اصل دوم مربوط به محتوا است": همواره باید کلمات صادقانه و قابل اعتماد بر زبان آورم، که شخص دیگر را خرد نکند، بلکه باعث بنای وی شود. "اصل سوم درباره وقت شناسی است": لازم است بدانم چه موقع باید سکوت نمود و کی باید حرف زد. و باید بدانم که درست موقعی سخن را آغاز کنم که حرف زدن ضرورت می‌یابد. "اصل چهارم به مراعات مربوط می‌شود": باید قبل از شروع به حرف زدن بدقت در باره آنچه می‌خواهم بگویم و عواقب احتمالی آن ببیندیشم.

(T) در میان گذاشتن برکات از امثال فصلهای ۱۵ و ۱۶. "هنر برنامه‌ریزی".

برنامه‌ریزی تنها برای تجار مهم نیست بلکه برای همه مسیحیان نیز اهمیت دارد.

اول. امثال ۱۵: ۲۲ می‌فرماید، "نقشه‌ای که بدون مشورت کشیده شود، با شکست مواجه می‌گردد، اما مشورت بسیار، باعث موفقیت می‌شود." نخستین اصل برای برنامه‌ریزی این است که باید قبل از نهایی کردن آن، در مورد آن دست به مشورت بزنید. کلمه "نقشه‌ها" به "فکر کردن"، "تدبیر کردن" و "محاسبه" دلالت دارد. طرحها فعالیت‌هایی هستند که فرد بدان اندیشیده و تصمیم دارد در آینده انجام دهد. ولی شخص نباید فکر کند که همه چیز را می‌داند یا به راهنمایی دیگران نیازی ندارد. نقشه‌ها بدلیل عدم مشورت با شکست مواجه می‌شوند. کلمه "مشورت" یعنی "بحث یا همفکری معتدانه". کسی که بدون مشورت معتدانه با افراد حکیم دیگر و راهنمایی خواستن از آنها نقشه‌های خود را طراحی کند، بزودی به شکست نقشه‌هایش پی خواهد برد. تنها با وجود مشاوران متعدد طرحهایش موفقیت‌آمیز خواهند بود.

دوم. امثال ۱۶: ۱ می‌فرماید: "انسان نقشه‌های زیادی می‌کشد، اما نتیجه نهایی آنها در دست خداست." "اصل دوم برنامه‌ریزی این است که باید کاملاً به حاکمیت خدا متکی باقی بمانید." در اینجا کلمه "نقشه‌ها" دلالت دارد بر "مرتب کردن" یا "ترتیب دادن" و در مورد قراردادان هیزم و قربانی بر روی قربانگاه بکار می‌رود (لاویان ۱: ۷-۸). در حالی که انسان ممکن است نقشه‌هایی طراحی کند، اما نتیجه در دست خداست. در کتاب امثال، به خدا اغلب «خداوند» گفته شده که "نام اوست در عهدش". این بدان معناست که خدا نسبت به صفات مکشوف خود کاملاً امین است و قطعاً به آنچه در کتاب مقدس وعده داده عمل خواهد کرد. مهم نیست مردم چقدر نقشه می‌کشند یا در مورد آنچه می‌خواهند انجام دهند چقدر مصر هستند. واقعیت این است که همیشه خدا تعیین می‌کند که چه چیزی رخ خواهد داد. خدای کتاب مقدس خدای حاکمی است، و این در مورد نقشه‌هایی که انسان می‌کشد نیز صدق می‌کند. گرچه انسانها توانایی آن را دارند که افکار و گرایشهای خود را به ترتیبی آراسته مرتب کنند، اما این خدای کتاب مقدس است که در نهایت تعیین می‌کند چه چیزی اتفاق بیفتد. از این رو، بهترین راه برای برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی به همراه خدای کتاب مقدس، مطابق با تعالیم و فرامین خدا در کتاب مقدس و با مداومت در اتکا به خدای کتاب مقدس از طریق دعاست. منتظر آن باشید که خدا حاکمانه بهترین پاسخ ممکن را به شما بدهد.

سوم. امثال ۱۶: ۲ می‌فرماید: "تمام کارهای انسان به نظر خودش درست است، اما انگیزه‌ها را خدا می‌بیند." مثل در واقع می‌گوید: "تمام کارهای انسان در نظر خودش پاک است، اما خداوند دلها را محک می‌زند." "اصل سوم برنامه‌ریزی این است که باید عقاید و انگیزه‌های درستی داشته باشید." کلمه "پاک" به معنای "درست" یا "صحیح" است. بر اساس قضاوت شخصی فرد، هر کاری که او انجام می‌دهد درست، یعنی بدون اشتباه است. وی معتقد است که هر آنچه انجام می‌دهد قانون پذیرفته شده عمومی است، در غیر اینصورت آن را انجام نمی‌داد. اما این بدان معنا نیست که هر کاری فرد انجام می‌دهد لزوماً از دید خدا بی‌عیب و صحیح است. خداوند، دل انسانها را محک می‌زند تا نشان دهد که واقعاً در وراي گفتار و اعمالش چه چیزی نهفته است. کلمه "محک زدن" یا "سنجیدن" به معنای "آزمون بر اساس معیاری مطلقاً پاک است." و کلمه "دلها" یا "انگیزه‌ها" به معنای حالت درونی، "اعتقادات" و "انگیزه‌های" شخص است. بر اساس معیار مقبول در میان مردم، هر کسی افکار، گفتار و اعمال خود را درست می‌داند. با وجود این، مطابق با معیار عدالت و قدوسیت مطلق خدا، خداوند افکار، گفتار و اعمال شخص را محک می‌زند تا انگیزه‌های واقعی افکار، گفتار و اعمالش را مشخص کند. خداوند نقشه‌های انسانها را می‌آزماید تا ببیند بر چه اعتقاداتی بنا شده‌اند و به چه دلایلی انجام می‌شوند. هیچ چیز از نظر خدای کتاب مقدس پنهان نیست.

چهارم. امثال ۱۶: ۳ می‌فرماید: "نقشه‌های خود را به خدا بسیار، آنگاه در کارهایت موفق خواهی شد." در واقع مثل می‌گوید، "هر کاری را که انجام می‌دهی به خدا بسیار، و نقشه‌هایت به انجام خواهند رسید." "اصل چهارم برنامه‌ریزی این است که باید تمام نگرانیها و مصائب خود را از طریق دعا به خداوند واگذارید." «هر کاری که انجام دهید»، نه تنها آنچه انجام می‌دهید، بلکه نگرانی‌ها و دلوایسی‌های شما را نیز در بر می‌گیرد. باید همه نگرانی‌ها و دلوایسی‌های خود را در مورد آنچه باید انجام دهید و آنچه در زندگی‌تان در حال وقوع است، همه را به خداوند بدهید. این بدان معناست که باید کاملاً به خدا متکی شوید و در همه جنبه‌های زندگی‌تان پیوسته به او اعتماد کنید. آنگاه نقشه‌هایتان "محقق خواهند شد." نقشه‌هایی که تایید خداوند را با خود داشته باشند به واقعیت خواهند پیوست. معادل این مطلب در عهد جدید، در اول پطرس ۵: ۷ یافت می‌شود که می‌فرماید: "بگذارید خداوند بار تمام غصه‌ها و نگرانی‌های شما را به دوش گیرد، زیرا او در تمام اوقات به فکر شما می‌باشد" (مزمور ۵۵: ۲۲).

(S) در میان گذاشتن برکات از امثال فصل ۱۶. معنای امثال ۱۶: ۴ چیست؟

امثال ۱۶: ۴ می‌فرماید: "خداوند هر چیزی را برای هدف و منظوری خلق کرده است. او حتی بدکاران را برای مجازات آفریده است." در واقع مثل می‌گوید، "خداوند هر چیزی را برای هدف آن آفریده، حتی شخص بی‌خدا برای مجازات خلق شده است." همه چیز و همه کس در آفرینش خدا دارای هدفی ویژه است. بین هر چیزی و هدف آن ارتباط وجود دارد. مردمان بدکار یا بی‌خدا کسانی هستند که وجود خدا را انکار می‌کنند یا خدای زنده را جدی نمی‌گیرند. آنها حاکمیت و قدرت خدایی را که برای هر چیزی هدفی قرار داده، به استهزاء می‌گیرند. به هدفی که خدا برای بدکاران و افراد بی‌خدا قرار داده، یعنی روز جزا، باور ندارند. روز مجازات همه بلایایی را شامل می‌شود که بر زندگی افراد بی‌خدا نازل می‌شود، از جمله روز داوری نهایی. خداوند که خود را در کتاب مقدس مکشوف نمود، مصائب و روز داوری را برای افراد بی‌خدا و بدکار در جهان آفرید. این هدف در وحله اول برای نابودی آنها نیست، بلکه برای ایجاد ترس در آنهاست تا توبه کرده، بسوی خدا بازگردند. معادل آن در عهد جدید، در دوم قرنتیان ۵: ۱۰-۱۱ یافت می‌شود که می‌فرماید: "زیرا همه ما در مقابل تخت داوری مسیح خواهیم ایستاد و هر یک از ما نتیجه اعمالی را که در این زندگی انجام داده است خواهد دید، چه نیک و چه بد. بنابراین، چون چنین ترس و احترامی نسبت به خدا در دل ماست، می‌کوشیم تا مردم را بسوی نجات هدایت کنیم." وقتی مصائب بر افراد بدکار نازل می‌شوند، باید تصدیق کنند که خدای کتاب مقدس واقعاً وجود دارد و مقدس و عادل است. خداوند، پستی و شرارت را نمی‌تواند تحمل کند و تحمل نخواهد کرد. او روز جزا را برای افراد بی‌خدا و بدکار خلق کرد. این مثل حاکمیت مطلق خدای کتاب مقدس را نیز تعلیم می‌دهد. او حاکم است، حتی بر کسانی که به وجود او اقرار نمی‌کنند و آنچه را او منع کرده انجام می‌دهند. آنها نیز از مقصود او تبعیت خواهند کرد. اگر توبه نکنند و بسوی خدا باز نگردند، در روز جزا گرفتار خواهند شد.

(T) در میان گذاشتن برکات از امثال فصلهای ۱۷ و ۲۷. دوستی بین دو نفر مسئولیتهای خاصی را به همراه دارد.

اول. امثال ۱۷: ۹ می‌فرماید، "کسی که اشتباهات دیگران را می‌پوشاند محبت ایجاد می‌کند، اما آدمی که آنها را فاش می‌کند باعث جدایی می‌گردد." "اولین مسئولیت در دوستی این است که هرگز نباید اشتباهی قدیمی را فاش کنید."

بسیاری به عذاب کشیدن به سبب لطمات ناشی از اشتباهات گذشته ادامه می‌دهند. احساس می‌کنند که اشتباهی خاص در گذشته بسیار غلط و غیر منصفانه بوده است. عواقب آن اشتباه برای آنها باعث آسیب بیشتر می‌شود. اغلب آن اشتباه گذشته بدرستی حل نشده است. و بنابراین، هر وقت آن را بیاد می‌آورند، رنج می‌کشند. در آن مواقع احساس می‌کنند نیاز دارند در مورد آن اشتباه با دیگران صحبت کنند. از دیگران انتظار درک دارند و اغلب به دنبال توجیه خود هستند. گرچه اشتباهات گذشته می‌تواند بیشترین لطمات را بیار آورد، کتاب مقدس می‌گوید هرگز نباید درباره آنها با همسایه یا دوست خود صحبت کنید. اگر چنین کنید، دوستان فکر خواهد کرد که در مورد اشتباهاتی که خود او در باره شما انجام داده نیز با دیگران حرف خواهید زد و اعتماد خود را به شما از دست خواهد داد. سخن گفتن از اشتباهات گذشته فقط باعث جدایی دوستان می‌شود. در عوض، حکمت و محبت واقعی در این است که اشتباه گذشته را ببوشانید. هرگز در باره اشتباهات گذشته با کسی غیر از خداوند صحبت نکنید. و هر موقع دعا می‌کنید این مسئولیت را بیاد آورید: "خطاهای ما را بیامرز چنانکه ما نیز آنان را که به ما بدی کرده‌اند، می‌بخشیم" (متی ۶: ۱۲).

دوم. امثال ۲۷: ۵-۶ و ۹ می‌فرماید: "سرزنش آشکار از محبت پنهان بهتر است. زخم دوست بهتر از بوسه دشمن است. مشورت یک دوست همچون عطری خوشبو، دلپذیر است." "دومین مسئولیت در دوستی این است که باید دوست خود را توییح و اصلاح کنید." «محبت پنهان» محبتی است که هرگز خود را در گفتار یا اعمال بروز نمی‌دهد. هرگز خود را در کلامی تادیب‌آمیز یا در کلام تشویق‌آمیز آشکار نمی‌کند. چه کسی از چنان محبت پنهانی سود می‌برد؟ هیچکس. محبت پنهان در واقع اصلاً محبت نیست. یک «سرزنش آشکار» از محبت پنهان بسیار ارزشمندتر است، زیرا سبب اصلاحاتی در شخص می‌شود. حتی سرزنش آشکار یک دشمن از محبت پنهان دوست با ارزشتر دارد. دوست حقیقی همیشه محبت خود را با ارائه مشورت صمیمانه ابراز می‌کند. بنابراین دوستان نباید از سرزنش و اصلاح محبت‌آمیز یکدیگر ابا داشته باشند. پذیرش و سکوت در امری نادرست و افزون کردن ماچ و بوسه، به‌منزله دوستی واقعی نیست. دوستی حقیقی خود را در سرزنش، تادیب و مشورت صمیمانه بروز می‌دهد.

سوم. امثال ۲۷: ۱۰ می‌فرماید: "دوست خود و دوست پدرت را هرگز ترک نکن، و وقتی در تنگی هستی سراغ برادرت نرو؛ همسایه نزدیک بهتر از برادر دور می‌تواند به تو کمک کند." "سومین مسئولیت در دوستی این است که باید دوستی خود را با دوستان خانوادگی و همسایگان توسعه دهید." کتاب مقدس هشدار می‌دهد که نباید دوست خانوادگی قدیمی را فراموش کنید، زیرا در وقت گرفتاری، دوست یا همسایه نزدیک بهتر از فامیلی که دور از شما زندگی می‌کند می‌تواند به یاری‌تان بشتابد.

چهارم. امثال ۲۷: ۱۷ می‌فرماید، "همانطوریکه آهن، آهن را می‌تراشد، دوست نیز شخصیت دوستش را اصلاح می‌کند." "مسئولیت چهارم در دوستی این است که باید متوجه باشید که هر ارتباطی شخصیت شما را رشد می‌دهد." همانطوریکه برای تیز کردن آهن به آهن دیگر نیاز دارید، انسانها نیز از طریق ارتباط با یکدیگر و تاثیر متقابل، شخصیت یکدیگر را اصلاح می‌کنند. به خصوص از طریق انتقاد، سرزنش، تادیب و مشورت سازنده به رشد یکدیگر کمک می‌کنند. اما از طریق تحمل ضعف‌ها و قصورات یکدیگر نیز باعث اصلاح هم می‌شوند. بویژه انتقاد و کاستی‌های افراد جوان و بی‌تجربه می‌تواند بسیار سخت باشد. اما دوستی فقط وقت‌گذرانی با یکدیگر، ابراز بی‌حوصلگی و سرگرم شدن در گفتگوهای بیهوده نیست. دوستی راستین این است که با آنچه حقیقی، خوب و درست می‌باشد بر یکدیگر تاثیر گذاریم و برای تبدیل شدن به انسانهای بهتر به هم کمک کنیم.

(S) در میان گذاشتن برکات از امثال فصل ۲۸. "هنر حکومت کردن."

حاکمان، پادشاهان و مقامات حکومتی باید نحوه حکومت بر مملکت خود را به خوبی فراگیرند.

اول. امثال ۲۸: ۲ می‌فرماید: "وقتی مملکتی گرفتار فساد شود، دولتش به آسانی سرنگون می‌گردد، اما رهبران درستکار و عاقل مایه ثبات مملکت هستند." "اولین اصل مملکت‌داری ایجاد ثبات از طریق انتصاب مقامات لایق است." بعضی از کشورها دستخوش اغتشاشند و مردمانی یاعی دارند. دلیل این امر عدم تداوم در وجود رهبران شایسته است. هر بار رهبری مرتکب اشتباهی می‌شود، دیگری جایگزین او می‌گردد. یک حاکم یا پادشاه شرور، مقامات شروری را به کار خواهد گماشت که اشتباهات زیادی انجام می‌دهند و لازم است بارها و بارها عوض شوند. در حالی‌که، پادشاه یا حاکم خوب مقامات شایسته‌ای را منصوب می‌کند که از دانش لازم جهت تشخیص درست و غلط بهره‌مند هستند. آنها نه از طریق زور، بلکه با ارائه الگوی مناسبی از خود و مملکت‌داری صحیح، ثبات را در کشور برقرار می‌نمایند.

دوم. امثال ۲۸: ۴ می‌فرماید: "بی‌توجهی نسبت به قانون، ستایش بدکاران است ولی اطاعت از آن، مبارزه با بدی می‌باشد." "اصل دوم مملکت‌داری حفظ قانون از طریق اقدام بر علیه بدکاران است." در اینجا "قانون"، "دستورالعمل" افراد حکیم است، که "مبنای آن قانون خدا" در کتاب مقدس می‌باشد. وقتی که رهبران یک مملکت به راهنمایی افراد حکیم یا قانون خدا گوش فرا ندهند و بی‌توجه باشند، در آن صورت با بدکاران سازش کرده، اعمال آنان را خواهند ستود. هر حاکمی که خود قانون را مراعات نکند با مردم خودش که به قانون احترام می‌گذارند ضدیت خواهد کرد. تاریخ پر است از نمونه‌هایی که در آن حاکمان یک مملکت بزرگترین دشمنان اتباع کشور خود بوده‌اند. با این حال، رهبرانی که خود قانون را رعایت می‌کنند در مقابل بدکاران مقاومت می‌نمایند. "مقاومت کردن" یعنی "ناراحتی و اوقات تلخی شدید". رهبرانی که خود به قانون احترام می‌گذارند از هیچ‌گونه عمل شرارت‌آمیز در مملکت حمایت نخواهند کرد و با افراد بدکار در کشور خود مدارا نخواهند نمود. آنها با واکنش بر علیه بدکاران قانون را تثبیت خواهند کرد.

سوم. امثال ۲۸: ۵ می‌فرماید: "عدالت برای بدکاران بی‌معنی است، اما پیروان خداوند اهمیت آن را خوب می‌دانند." "اصل سوم مملکت‌داری درک آن چیزی است که از نظر خداوند عادلانه است و عدالت را تثبیت می‌کند." بدکاران تصمیم گرفته‌اند قانون و نظم را نادیده بگیرند و بنابراین ابدأ قادر نیستند عدالت را درک کنند. در نظر آنان، "درست" یعنی آن چیزی که برای ایشان پول، قدرت و شهرت بیشتری ببار آورد. هر چیزی که از جستجوی آنان برای پول، قدرت و شهرت ممانعت کند "غلط" است. از این رو، رهبران شرور حکومت نمی‌توانند درک کنند از نظر خدا چه چیزی واقعاً درست و چه چیزی غلط است. هر کس قانون خدا را رد کند، یگانه قانونی را رد کرده که می‌تواند تعلیم دهد چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. بدون معیار مطلق قانون خدا در کتاب مقدس، هر قانون دیگری کاملاً نسیبی، قراردادی و بسته به وجود انسان، موقعیت یا مذهب متغیر خواهد بود. از سوی دیگر، هستند رهبرانی که طالب خدای کتاب مقدس هستند، خدایی که خود را در عهد عتیق از طریق پیامبران و در عهد جدید توسط عیسی مسیح آشکار نمود. آنها همچنین مایلند قانون خدا را که در کتاب مقدس مکتوب شده، بشناسند. چنین رهبرانی درک کاملی از آنچه درست و عادلانه است خواهند داشت. در امثال فصل ۲۸، مَثلهای زیادی درباره این‌که چه چیزی واقعاً عادلانه است و چه چیزی غیر عادلانه است وجود دارد. امثال ۲۸: ۸ می‌فرماید: افزایش ثروت از طریق بهره‌گزار، یعنی کاری که رباخواران انجام می‌دهند، غیر عادلانه است. امثال ۲۸: ۱۰ می‌گوید که گمراه کردن تعمدی اشخاص بیگناه و درستکار غیر عادلانه است. دام نهادن بر سر راه مردمان نیکوکار و عادل در کشور خودشان از نظر خدا بسیار شرورانه است. خداوند اجازه می‌دهد مردم بدکار در دامهای خود گرفتار شوند و به این ترتیب آنها را مجازات می‌کند. برای نمونه، کسی که مسیحی درستکار و عادل را به انجام آنچه خدا منع کرده وادار نماید، توسط خداوند مجازات خواهد شد. امثال ۲۸: ۱۶ می‌فرماید کسب ثروت از راههای نامشروع از قبیل قاچاق، قمار، شرط بندی، فروش رسیده‌های جعلی یا سرقت ماشین و مانند اینها، غیر عادلانه است.

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول. هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک فصل از کتاب اشعیاء را بخوانید. فصلهای انتخاب شده عبارتند از اشعیاء فصلهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸. ملاحظات و تفکرات خود را در دفترتان یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار با یک دوست یا در یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی کشفیات، آموخته‌ها و برکات خود را در میان بگذارید.

دوم. کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم
سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.